# 1ـ فطرت

**فقط يك بار در قرآن صريحاً از فطرت صحبت شده است. آنهم در [روم-30].**

**=================================**

**[روم30] ص407 ـ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفًا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يَعْلَمُونَ**

**پس روي خود را با گرايش تمام به حق‏، به سوي اين دين كن‏، با همان سرشتي كه خدا مردم را بر آن سرشته است‏. آفرينش خداي تغييرپذير نيست‏. اين است همان دين پايدار، ولي بيشتر مردم نمي‏دانند.**

**توضیح آیات سوره روم**

[روم۸]ص۴۰۵ - **أَ وَ لَمْ یَتَفَکَّرُوا فی‏ أَنْفُسِهِمْ ما خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّى وَ إِنَّ کَثیراً مِنَ النَّاسِ بِلِقاءِ رَبِّهِمْ لَکافِرُونَ**

آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامى معین، نیافریده است، و [با این همه‌] بسیارى از مردم لقاى پروردگارشان را سخت منکرند.

**توضیح: آیا در خودتان فکر نکردید خدا چرا آسمان‏ها و زمین را و آن چیزی که بین آنهاست را بر اساس حق خلق کرده و یک زمانی سرآمدی برای آن قرار داده**

**جواب حیوان در این باره چیست؟ اصلا خداوند از آنها سوال نمی کند.**

**جواب ملائک در این باره چیست؟ اصلا خداوند از آنها سوال نمی کند. وقتی خدا ﴿‏ أَسْماءِ هؤُلاءِ﴾[[1]](#footnote-1) را به آنها عرضه کرد و فرمود آنها را توضیح دهید گفتند لاعلم لنا الا ما علمتنا. کلامشان حاکی از تعقل و تفکر نیست.**

فهمی برتر از موقعیت ملائک: این چیست که خداوند در وجود انسان‏ها گذاشته، این چه قوه‏ای است که ملک ندارد و حیوان هم ندارد؟ جنس این قوه چیست که انسان بوسیلۀ آن می‏تواند بفهمد؟ اگر این قوه از جنس آسمان‏های هفت‏گانه و از جنس برزخ می‏بود ، حتماً جبرئیل واجدش بود، چون جبرئیل حامل اسرار برزخ است، نه تنها آسمان‏های هفت‏گانۀ عالم برزخ، حتی ارواح؛ در یک واژه کرسی، هر چه در کرسی وجود دارد، هر اسراری در کرسی وجود دارد جبرئیل حامل آنهاست؛ اگر این قوه‏ای که انسان بوسیلۀ آن می‏تواند بفهمد آیات خداوند را از جنس زمین یا از جنس آسمان‏های هفت‏گانه یا فراتر از آن از جنس کرسی می‏بود جبرئیل باید دست پیدا می‏کرد، جبرئیل اُولی‏تر از ما بود که باید واجدش باشد، باید فهمش خیلی بیشتر از ما می‏بود، از جبرئیل بالاتر اسرافیل، باید اینها می‏دانستند، چرا اینها می‏گویند: ﴿ **لا عِلْمَ لَنا إِلاَّ ما عَلَّمْتَنا**﴾؟ یعنی این قوۀ فهم برای فهم آیات اصلاً از جنس برزخ نیست، مال فراتر از آنجا است، نمی‏خواهیم دقیقاً جنس را دنبال کنیم بگوییم مال کدام عالم است، فقط می‏خواهیم بگوییم فراتر از برزخ است، مال هر جای دیگر که می‏خواهد باشد مال فراتر از برزخ است، مال برزخ و پایین‏تر نیست. بله بوسیلۀ آن شما می‏توانید در آسمان‏های هفت‏گانه و زمین آیات را فهم کنید.

**انسان چه؟ رفتار برخی انسان ها در آیات سوره آل عمران آمده**

**[آل‌عمران۱۹۰]ص۷۵ - إِنَّ فی‏ خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ**

**مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پى یکدیگر آمدن شب و روز، براى خردمندان نشانه‌هایى [قانع کننده‌] است.**

**[آل‌عمران۱۹۱]ص۷۵ - الَّذینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلى‏ جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فی‏ خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ**

**همانان که خدا را [در همه احوال‌] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد مى‌کنند، و در آفرینش آسمانها و زمین مى‌اندیشند [که:] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌اى؛ منزهى تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.**

1. **متذکر الله می‏شوند ﴿الَّذينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى‏ جُنُوبِهِمْ﴾؛ 2. در خلقت آسمان‏ها و زمین تفکر می‏کنند؛ 3. نتیجه می‏گیرند که ﴿رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً﴾؛یعنی یک فهم ویژه 4. خدا را تسبیح می‏کنند؛ 5. می‏گویند خدایا ما را از عذاب جهنم حفظ کن**

پس انسان می‏تواند بفهمد، چطور انسان می‏تواند بفهمد؟ انسان چه دارد که می‏تواند بفهمد؟ چه دارد که به تبع آن تفکر و تعقل مطرح می شود؟ یک عنصری در وجود انسان است که به تبعِ آن، تفکر واقع میشود. خدا در انسان یک قوه و عامل فهمی قرار داده که در کنارش اگر قوۀ تفکر باشد شما می‏توانید با این قوۀ تفکر و تعقل به فهم برسید.

توجه به آیات در ادامه سوره روم

[روم۱۸]ص۴۰۶ - **وَ لَهُ الْحَمْدُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِیًّا وَ حینَ تُظْهِرُونَ**

و ستایش از آنِ اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتى که به نیمروز مى‌رسید.

[روم۱۹]ص۴۰۶ - **یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ یُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ کَذلِکَ تُخْرَجُونَ**

زنده را از مرده بیرون مى‌آورد، و مرده را از زنده بیرون مى‌آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده مى‌سازد؛ و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده مى‌شوید.

[روم۲۰]ص۴۰۶ - **وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ إِذا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ**

و از نشانه‌هاى او این است که شما را از خاک آفرید؛ پس بناگاه شما [به صورت‌] بشرى هر سو پراکنده شدید.

[روم۲۱]ص۴۰۶ - **وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی‏ ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ**

و از نشانه‌هاى او اینکه از [نوع‌] خودتان همسرانى براى شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستى و رحمت نهاد. آرى، در این [نعمت‌] براى مردمى که مى‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایى است.

[روم۲۲]ص۴۰۶ - **وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِکُمْ وَ أَلْوانِکُمْ إِنَّ فی‏ ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْعالِمینَ**

و از نشانه‌هاى [قدرت‌] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهاى شما و رنگهاى شماست. قطعاً در این [امر نیز] براى دانشوران نشانه‌هایى است.

[روم۲۳]ص۴۰۶ - **وَ مِنْ آیاتِهِ مَنامُکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ ابْتِغاؤُکُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فی‏ ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَسْمَعُونَ**

و از نشانه‌هاى [حکمت‌] او خواب شما در شب و [نیم‌] روز و جستجوى شما [روزى خود را] از فزون‌بخشى اوست. در این [معنى نیز] براى مردمى که مى‌شنوند، قطعاً نشانه‌هایى است.

[روم۲۴]ص۴۰۶ - **وَ مِنْ آیاتِهِ یُریکُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ یُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ ماءً فَیُحْیی‏ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ فی‏ ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ**

و از نشانه‌هاى او [اینکه‌] برق را براى شما بیم‌آور و امیدبخش مى‌نمایاند، و از آسمان به تدریج آبى فرو مى‌فرستد، که به وسیله آن، زمین را پس از مرگش زنده مى‌گرداند. در این [امر هم‌] براى مردمى که تعقل مى‌کنند، قطعاً نشانه‌هایى است.

[روم۲۵]ص۴۰۷ - **وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذا دَعاکُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ**

و از نشانه‌هاى او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند؛ پس چون شما را با یک بار خواندن فرا خوانَد، بناگاه [از گورها] خارج مى‌شوید.

[روم۲۶]ص۴۰۷ - **وَ لَهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلٌّ لَهُ قانِتُونَ**

و هر که در آسمانها و زمین است از آنِ اوست؛ همه او را گردن نهاده‌اند.

[روم۲۷]ص۴۰۷ - **وَ هُوَ الَّذی یَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَیْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلى‏ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ**

و اوست آن کس که آفرینش را آغاز مى‌کند و باز آن را تجدید مى‌نماید؛ و این [کار] بر او آسانتر است. و در آسمانها و زمین نمونه والا[ى هر صفت برتر] از آن اوست، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار.

[روم۳۰]ص۴۰۷ - **فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتی‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ**

پس روى خود را با گرایش تمام به حق، به سوى این دین کن، با همان سرشتى که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خداى تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولى بیشتر مردم نمى‌دانند.

**================================================**

**توضیح آیه 30 سوره روم**

**فاقم وجهک للدین: با تمام توجه و ظرفیتت به سمت دین بیا. با تمام ابعادت برای دین باش**

**تعریف دین:. دین یعنی رفتار در قبال. رفتار در قبال خود خدا (ما در قبال ذات خدا رها نشده ایم. گفته می شود که نباید ذات خدا را توصیف کنید. قداست قائل باشیم. تکریم کنیم. احترام بگذاریم. و ......) در قبال نظام خداوندی، ارسال شوندگان و مرسوله های خداوندی و خودمان و جامعه مان. پس محدوده دین بسیار وسیع است. از رفتار در قبال ذات خدا که وصف ناپذیر است تا خودمان و بینابین یعنی تمامی عوالم و نشئات. بنابر این محدوده دین خیلی بزرگ است**

**خوب بر چه اساسی؟ چگونه؟**

**خدا می فرماید یک چیز بهت دادم و آن فطرت است. با همین یک ابزار می توانی اقامه وجه کنی به دین. یعنی رفتار در قبال ذات خدا، در قبال نظام خداوندی و حریم خدا، در قبال ....خودت و پیرامونت. آیا با همین یک عنصر جوابگو است؟ بله**

**نتایجی که می توان از آیه 30 سوره روم با توجه به سیاق آن بدست آورد**

**فطرت پاسخگوی تمامی نیازها در محدوده بسیار وسیع دین**

**فطرت به تنهایی باید جوابگوی کل این پهنه عظیم باشد، همه چیز در فطرت هست، تمام نیازهای دینی و قابلیت های دینی انسان درون آن هست و خداوند آن را برای من قرار داده است.**

**انسان ازلی نیست اما ابدی است یعنی فطرتی که شما دارید تا بهشت بعد از قیامت باید پاسخگو باشد. همه نیازهای رفتار در قبال شما را در عالم ارواح، عالم ذر، دنیا، برزخ، ظهور، هنگام رجعت، بین الصورین، قیامت و بهشت بعد از قیامت، همه در نور فطرت هست..**

**پس محدوده دین چون تمامی عوالم و نشئات است در فطرت هم تمامی اینها هست. نشئات به جای خود. چرا حالا گفتیم عوالم؟ یکی از اشخاصی که فطرت دارند رسول الله ص. ایشان در معراج عوالم را بالا رفتند. نشئات مختلف را رفتند. هر جایی هم رفتار در قبال نیاز دارد. این نیست که دین فقط در دنیاست و در برزخ رفتار در قبال نداریم. اتفاقا کسانی که د ربرزخ هستند رفتارشون را بیشتر مواظبت می کنند. ادریس ع نقل می شود که تا آسمان هفتم بالا برده شد. این نیست که در آنجا رفتار در قبال نداشته باشد. آنجا اتفاقا لطیف تر است پس حساس تر است. بنابر این کامل ترین رفتار در قبال را باید آنجا داشته باشیم. به هر حال محدوده تردد انسان تمامی عوالم و نشئات است. ولود یک نفر از انسان ها جاهایی رفته باشد. حتی ذوالقرنین که به وادی ظلمات رفت. ولو هیچیک از انسان ها نرفته باشد اونجا هم رفتار در قبال نیاز است. تمام ی رفتارهای در قبال حریم خداوندی دین شمرده م شود. و همه اینها از طریق فطرت در وجود انسان قرار داده شده. اگر به خود فطرت برسم فطرت چیست لاتبدیل لخلق الله و آنقدر قیمتی است که بر آن اساس باید دین داری کرد. آن دین داری میشود ذالک الدین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون عموم مردم اصلا متوجه این موضوع نیستند.**

**پس فطرت یک شی یک عنصری است که همه رفتارهای در قبال عوالم و نشئات توی آن هست. مرتفع ترین رفتارهای در قبال، قدیمی ترین ها، آخرین ها یعنی تا ابدیت همه رفتار ها توش هست. یک جنسیت را شما در نظر بگیرید که این همه مطلب توش است. اگر قرار بود توی یک هارد باشه ظرفیت ان مجموعه را ندارد چون خیلی پهنه اش وسیع است.**

**احساسات فطری: (خوش آمدن و خوش نیامدن) رفتار ما در قبال آن نعمات بهشتی بعد از قیامت باید چگونه باشد؟ رسولی باید به ما بگوید؟ طبق 30 سوره روم تمام اینها در فطرت ما هست. در بهشت یک گل زیبا می بینیم و به حسب فطرت خوشمان می آید. اینکه هممون از گل زیبا خوشمون می آید به حسب فطرت است. اگر فطرت نبود من نمی دانستم با این گل باید چه کنم. خوشم بیاید بدم بیاید بی تفاوت باشم؟**

**پس اگر می گوییم تمام دینیات نه که حتی آداب نماز، بلکه کلیت نماز، حس نماز، میل به این که با توجه نماز بخوانم و خودم را در پیشگاه خدا احساس کنم. آنکه در نماز به سوی خدا بالا بروم و رشد کنم. در نماز وارد فضای حریم خداوندی شده و در آن غوطه ور باشم و لذت ببرم. تمامی این موارد در فطرت انسان است**

**دین قیم**

**پس بر مبنای آیه 30 سوره روم، دین قیم یعنی این که به صورت فطری به رفتارهای صحیحِ در قبال بپردازید، چرا که فطرت الله تغییر پذیر نبوده و خدشه بردار نمی باشد، پس چنین دینی همیشه استوار بوده و خمیدگی و افتادگی در آن راه نخواهد داشت**

**فطرت ابزار اداره کنندگی**

**دین مقوله ای است که می شود تمام ابعاد را برای آن و به آن سپرد. فاقم وجهک للدین. یعنی فرد می تواند اداره خود را به آن بسپرد. این دین چیزی نیست جز فطرت. پس به نوعی فطرت ابزار اداره کنندگی است. وقتی دقیقا بر مبنای فطرت زندگی کردیم یعنی عملا اداره کنندگی خود را به آن سپرده و توسط آن اداره می شویم.**

**فطرت یک ابزار اداره کنندگی است ولی نه به گونه ای که ما محکوم به فطرت باشیم. اصل انسان روح انسان است. انسان مخیر است که بر مبنای این فطرتی که به او وصل است رفتار کند، یعنی از نور فطرت استفاده بگیرد یا نگیرد.**

**مثال: خلبانی که در هواپییمای مسافربری نشسته و می تواند بزند روی هواپیمای خودکار یا می تواند خودش اداره کند. این سیستم خودکار برای این طراحی شده که وقتی شما هواپیما را به آن می سپرید آن را اداره کند. اما شما مخیرید که هواپیما را در حالت خودکار قرار دهید یا قرار ندهید**

**و بیده ملکوت کل شیئ یعنی همه چیز توسط انوار ملکوتی اداره می شود**

**جنس فطرت**

**فطرت مشتی واژه نیست. یک مَلَک نیست که به طور دائمی هدایت را به انسان برساند. بلکه چیزی است که خداوند ما را درون آن و بر اساس آن و متصل به آن خلق کرده است.**

**لاتبدیل لخلق الله: دین باید از دستبردها در امان باشد، بنابر این خداوند فطرت را در موقعیتی و به گونه ای قرار داده که هیچگونه تغییری در آن راه ندارد**

**به استناد آیات سوره انعام آیات 75 تا 79 ،فطرت مقوله ای مربوطه به ملکوت است.**

**چرا می گوییم فطرت نور است؟ در نظام خداوند بر اساس فطرت می شود دین داری کرد (31 روم). فطرت چیزی است که از طریق آن واضح می شود که دینیات چه هستند؟ به چیزی که روشن می کند، واضح می کند می توانیم بگوییم نور**

**دین فطری**

**[روم۳۰]ص۴۰۷ - فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتی‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ**

خداوند در آیه 30 سوره روم می‏فرماید که اول فطرت‏ را در خودتان پررنگ کنید، اجازه بدهید فطرت فعال باشد، فطرت فعال باشد؛ یعنی چه؟

یعنی طبق آیۀ 8 سوره روم (**أَ وَ لَمْ یَتَفَکَّرُوا فی‏ أَنْفُسِهِمْ ما خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّى وَ إِنَّ کَثیراً مِنَ النَّاسِ بِلِقاءِ رَبِّهِمْ لَکافِرُونَ)** در مواجهه با آسمان‏ها دائم به خود تذکر دهید. بگویید خداوند این آسمان را ایجاد کرده، خدا این را ایجاد کرده، خدا ایجاد کرده، خدا این را ایجاد کرده، خدا ایجاد کرده، یک مقدار که این موضوع در وجودتان جا افتاد و نهادینه شد، حالا سؤال ایجاد کنید، چرا خدا ایجاد کرده؟ چرا خدا ایجاد کرده؟ خدایا تو چرا این را ایجاد کردی؟ خدایا تو چرا این را ایجاد کردی؟ خوب که تشنگی حاصل شد به دنبال پاسخ باشیم. چه جوابی داریم؟ اگر من و ما بخواهیم پاسخ دهیم بر اساس جهل خواهد بود، لذا برای یافتن پاسخ سراغ مکتب وحی بیاییم و پاسخ را اینگونه بدست آوریم.

[روم۳۱]ص۴۰۷ - **مُنیبینَ إِلَیْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ لا تَکُونُوا مِنَ الْمُشْرِکینَ**

به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید:

[روم۳۲]ص۴۰۷ - **مِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً کُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ**

از کسانى که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند؛ هر حزبى بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند.

[روم۳۳]ص۴۰۸ - **وَ إِذا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنیبینَ إِلَیْهِ ثُمَّ إِذا أَذاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذا فَریقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ یُشْرِکُونَ**

و چون مردم را زیانى رسد، پروردگار خود را، در حالى که به درگاه او توبه مى‌کنند، مى‌خوانند، و آنگاه که از جانب خود رحمتى به آنان چشانید، بناگاه دسته‌اى از ایشان به پروردگارشان شرک مى‌آورند.

**مُنيبينَ إِلَيْهِ** : وقتی که متوجه شدم حقیقتاً خدا اینکار را کرده و خدا برنامه دارد حالا خداوند دارد راهنمایی می‏کند ﴿ **مُنيبينَ إِلَيْهِ**﴾ باشید شما هم به سوی خدا بروید تا می‏شود خودتان را به خدا نزدیک کنید؛

یعنی اساس این باشد که اجازه دهید فطرتان بر شما غلبه داشته باشد، فطرت‏تان را فعال کنید. به تبعش خودتان را جهت دهید ﴿ **مُنيبينَ إِلَيْهِ**﴾ شوید. حرکت کنید و به حرکت‏تان جهت دهید،

در این مسیر آدابی را داشته باشید، تقوای قلب و اقامۀ صلاه عملی،

در قلب‏تان و در صفات‏تان تقوا و در اعمال‏تان اقامۀ صلات بر شما حاکمیت داشته باشد.

مسیر برعکس: نباید مسیر را برعکس آمد. شما اگر از مسیر اقامۀ صلات بروید، به تقوا نمی‏رسید. نباید از مسیر اقامۀ صلات به سوی تقوا و انابه و.. رفت، چرا؟ چون هر مسیر طولانی را جمعی شروع کنند عموم جمعیت ابتدایش می‏مانند قلیلی به مرحلۀ بعد، قلیلی از آنها به مرحلۀ بعدتر؛ پس حرکت‏های طولانی را از مسیری باید شروع کرد که عموم آدم ها وقتی که باز می‏مانند جای خوبی باز بمانند،

برای همین خداوند می‏فرماید از فطرت شروع کنید، اجازه دهید فطرت‏تان پرورش پیدا کند، فضای حاکمیت فطرت را برای خودتان قرار دهید.

### ویژگی های فطرت

#### فطرت قابليت مي‌آورد

**فطرت قابليت و استعدادِ فهم و رشد بسوي يك مفهوم را مي‌آورد(نه جنسيت آن مفهوم را) تا از اين به بعد اگر انسان بسوي يكي از آن مفاهيم يا موقعيّت‌ها سعي كند راه رسيدن به آنها باز باشد.**

**ما نمي‌توانيم بگوييم بهشتي هستيم بلكه مي‌توانيم بگوييم قابليت بهشتي بودن (قابليت فهم و رشد بسوي بهشت) را داريم.**

#### فطرت از آنِ خدا است (فطرت الله) (نه متعلق به انسان)

**فطرت از آنِ خدا است(نه متعلق به انسان). اما خداوند انسان‌ها را از آن بهرمند كرده است**

**خداوند فطرت را به خودش نسبت مي‌دهد (نه به انسان).**

**============================**

**[روم30] ص407 ـ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفًا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النّاسِ لا يَعْلَمُونَ**

**پس روي خود را با گرايش تمام به حق‏، به سوي اين دين كن‏، با همان سرشتي كه خدا مردم را بر آن سرشته است‏. آفرينش خداي تغييرپذير نيست‏. اين است همان دين پايدار، ولي بيشتر مردم نمي‏دانند.**

**[روم31] ص407 ـ مُنيبينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكينَ**

**به سويش توبه بريد و از او پروا بداريد و نماز را برپا كنيد و از مشركان مباشيد:**

#### خداوند انسان را درون فطرت ايجاد كرده

**فطرت فضايي از مفاهيم است (نمايشگاه مفاهيم) كه انسان درون آن ايجاد شده و توسط آن اداره مي‌شود.**

**خداوند تمام اين انوار عوالمي و نشئاتي را به انسان تابانده است. كه به كل اين نور، فطرت و به اين فعل، فَطر گفته مي‌شود.**

#### تمام انسان‌ها فطرت دارند

**طينت تمام انسانها[نه بخشي از آنها] درون نور فطرت و متأثر از آن خلق شده و قرار داده شده است.**

#### تمام انسان‌ها پيوسته در فطرت قرار دارند

**نور فطرت پيوسته مي‌تابد**

**فطریات، توصیفات یا رفتارها؟ (فالهمها فجورها و تقویها)**

**در فطرت به دنبال توصیفات نباشیم. ممکن است توصیف برخی موضوعات با بتوان در آن یافت ولی الزامی نیست که که توصیف همه چیز در فطرت باشد.**

**بعنوان حداقلِ فطریات، می توان از وجدانیات نام برد. مثلا همه انسان ها به صورت فطری می فهمند که دروغ گفتن بد است، باید محبت کرد، باید آدم خوبی بود و .....**

**با وجود فطرت چه نیازی به رسولان؟**

**لبستادوا میثاق فطرته: چیزهایی که رسول الله ص دارند مطرح میکنند در جهت به خاطر آوردن فطریات است. رسول برای این نیامده که از اساس به ما بیاموزد که باید به خدا توجه کنیم. توجه به خدا در فطرت ما است. تشکر از خدا در فطرت ما است. حریم نگه داشتن در مقابل خدا در فطرت ما است. به صورت یک گرایش، یک میل، ایجاد حس، کشانده شدن به رفتار**

**چگونگی رفتارها: مثلا در فطرت انسان است که طبق آیه 31 روم انسان باید انابه داشته باشد (منیبین الیه). تقوی داشته باشد و در مرحله سوم اقامه صلاه داشته باشد. فطرت من می گوید اقامه صلوه داشته باش. اما چگونه اقامه صلوه. خداوند رسول را می فرستد که چگونگی انابه، چگونگی تقوی و چگونگی اقامه صلوه را یاد بدهد.**

**توصیفات: شما توصیف مقولات مختلف را نمی توانید الزاما از فطرت بدست آورید مثلا توصیف بهشت**

**چرا برخی فطری رفتار نمی کنند؟**

**فطرت سر جایش است. به دلیلی نهفته می شود به دلیلی گیرندگی ما مشکل پیدا می کند. شخصی که بیهوش می شود روحش دچار مشکل نشده و یا از او کنده نشده بلکه در گیرندگی او مشکلاتی ایجاد شده است و نمی تواند از روح استفاد بگیرد و روح او را از جا بلند کند و سرپا کند.**

**به خاطر بعضی رفتارها، برخی روانیات، برخی عقده ها، برخی فرهنگ ها، مقولات اجتماع اینها سرپوش می گذارد بر روی فطرت من. اگر من از لابلای اینها دنبال فطرت هستم و کج و کولگی دارم دلیل نمی شود که فطرتم مشکل دارد. نه باید اینها را پس بزنم تا به خود فطرت برسم.**

# فطر

**توضیح**

**گفتیم**

**خداوند از انسان خواسته که همه چیزش را برای دین قرار دهد (اقم وجهک للدین) .**

**دین یعنی رفتار در قبال**

**چگونه این همه رفتار در قبال را در خود داشته باشیم و بفهمیم که در هر موقعیتی از موقعیت های عوالمی و نشئاتی از امروز تا ابد باید چگونه فکر کنیم، چگونه میل کنیم، چگونه حس کنیم، چگونه رفتار کنیم؟**

**تنها با فطرت! که تنها ابزار دین قیم است و این تنها ابزار، کفایت همه نیازهای دینی انسان را می کند.**

**پس این ابزار باید به طور همیشگی و تا ابد در اختیار انسان بوده و برای او قابل استفاده باشد.**

**برای نیل به این هدف خداوند انسان را به گونه ویژه ای خلق کرده است که با خلق موجودات دیگری چون حیوانات و ملائک و .. متفاوت است.**

**خداوند انسان را فطر کرده است. یعنی خداوند درون نور فطرت و متاثر از آن انسان را از طین خلق کرده است و البته دقیقا طبق آن الگو و به گونه ای که بتواند با فطرت کار کند. به این ترتیب منبع لایزالی از نور به انسان متصل شده است که با استفاده از آن و بلکه مهمتر سپردن خویش به آن، تا ابد امکان رشد و رسیدن به موقعیت های مطلوب را داشته باشد و این یعنی همان اقامه وجه برای دین.**

**دائمی بودن فطر**

**ازلی نیست ولی ابدی است. چرا که انسان از یک زمانی فطر شده است، ولی این انسان ابدی است.**

**ملکوتی بودن فطر**

**انعام۷۵] ص۱۳۷ - وَ کَذلِکَ نُری إِبْراهیمَ مَلَکُوتَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِیَکُونَ مِنَ الْمُوقِنینَ**

**و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد.**

**[انعام۷۶] ص۱۳۷ - فَلَمَّا جَنَّ عَلَیْهِ اللَّیْلُ رَأى‏ کَوْکَباً قالَ هذا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قالَ لا أُحِبُّ الْآفِلینَ**

**پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌اى دید؛ گفت: «این پروردگار من است.» و آنگاه چون غروب کرد، گفت: «غروب‌کنندگان را دوست ندارم.»**

**[انعام۷۷] ص۱۳۷ - فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بازِغاً قالَ هذا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قالَ لَئِنْ لَمْ یَهْدِنی‏ رَبِّی لَأَکُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّینَ**

**و چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است.» آنگاه چون ناپدید شد، گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گروه گمراهان بودم.»**

**[انعام۷۸] ص۱۳۷ - فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بازِغَةً قالَ هذا رَبِّی هذا أَکْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قالَ یا قَوْمِ إِنِّی بَری‏ءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ**

**پس چون خورشید را برآمده دید، گفت: «این پروردگار من است. این بزرگتر است.» و هنگامى که افول کرد، گفت: «اى قوم من، من از آنچه [براى خدا] شریک مى‌سازید بیزارم.»**

**[انعام۷۹] ص۱۳۷ - إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ حَنیفاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ**

**من از روى اخلاص، پاکدلانه روى خود را به سوى کسى گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم.**

1. ـ **[بقره31] ص6 ـ** ﴿ **وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلائِكَةِ فَقالَ أَنْبِئُوني‏ بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ**﴾. [↑](#footnote-ref-1)